

رسم اجازه نویسی در سنت تعلیمی هنر خوشنویسی عثمانی: تحلیل ساختار و محتوای اجازه‌نامه‌ها

فریبا پات^۱

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۲/۰۳ - پذیرش نهایی: ۹۷/۰۶/۰۵)

چکیده

در سنت تعلیمی خوشنویسی عثمانی رسمی وجود داشته که به «اجازه‌نامه»، «اذن‌نامه» یا «اهلیت‌نامه» شناخته می‌شود. این رسم ظاهراً فقط در خوشنویسی عثمانی رواج داشت. بر اساس این رسم شاگرد قطعه‌ای را به خط نسخ، ثلث یا نستعلیق می‌نوشت و آن را به رؤیت استاد یا استادانی می‌رساند و استادان نیز غالباً با خطی موسوم به «خط اجازه» و با الفاظی به عربی آن را تأیید می‌کردند. افزون بر بررسی مفهوم اجازه و خاستگاه آن در این سنت تعلیمی، پژوهش در باب ساختار و محتوای اجازه‌نامه‌ها و شناخت خط موسوم به خط اجازه، اندازه اجازه‌نامه‌ها، عبارت‌های اجازه و محل رقم اجازه برای شناخت بهتر این رسم لازم است که این نوشتار آن را بر عهده دارد.

کلید واژه‌ها: سنت تعلیمی خوشنویسی، اجازه نویسی، اجازه‌نامه، اذن‌نامه، اهلیت‌نامه، خط اجازه.

Email: f.pat@alzahra.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه الزهراء؛

مقدمه

خوشنویسی در دوره عثمانی سنتی رایج بود. شاید مشهورترین خاندان سلطنتی که تقریباً تمام سلاطین آن در هنرخوشنویسی از شهرت و آوازه برخوردارند، خاندان آل عثمان یا عثمانیان باشد. علاقه سلاطین عثمانی به این هنر می‌تواند یکی از عوامل افزایش تعداد خوشنویسان با تعدد آثار در این دوره باشد.^۱ منابع خوشنویسی و زندگی‌نامه هنرمندان این دوره حاکی از وجود رسمی به نام اجازه نامه است که در دوره‌های قبل به ندرت دیده می‌شود. پژوهشگران بدون اینکه توضیحی در باب مفهوم اجازه ارائه دهند و یا محتوای این اجازه‌نامه‌ها را مشخص کنند، از کنار این مسأله گذشته‌اند. در تاریخ اسلام اخذ اجازه شیوه‌ای متداول برای انتقال روایات، احادیث، کتب و آثار مختلف پیشینیان بوده است. مسأله این است که آیا سنت اجازه در هنر خوشنویسی نیز همان معنای^۲ رایج در علوم حدیث را داشته است؟ چرا رسم اجازه در خوشنویسی فقط در میان عثمانی‌ها رواج یافت؟ خط اجازه چه نوع خطی بود و چه جایگاهی در این سنت داشت؟ عناصر تشکیل دهنده این اجازه‌ها چه هستند؟ آیا این اجازه نامه‌ها از ساختار واحدی برخوردارند؟ با توجه به اینکه تا کنون تحلیلی از این اجازه نامه‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر به لحاظ ساختار صورت نگرفته است این پژوهش برآن است تا از طریق بررسی و تحلیل اجازه نامه‌های این دوره پاسخی در خور برای سوالات فوق فراهم آورد.

پیشینه

در باب مفهوم اجازه به عنوان اصطلاحی در علوم حدیث که برگرفته‌ای خاص از انحاء فراگیری حدیث دلالت دارد، کتابها و مقالات بسیاری نوشته شده که در اینجا نیازی به بیان آنها نیست، اما در باب مفهوم اجازه و ماهیت اجازه نامه‌ها در هنر خوشنویسی دوره

۱- برای نمونه حمدالله آماسی در طول عمرش چهل و هفت نسخه از قرآن و تعداد بی‌شماری سوره انعام و جزوهای قرآن را کتابت کرد (نک: شیمل، ۲۴۴-۲۴۵، ۱۰۸؛ برک، ۲۲).

۲- این واژه از مصدر باب افعال از ماده جوز و در اصل به معنای گذشتن و اجازه دادن و روا داشتن است. در اصطلاح محدثان یکی از انحاء تحمل حدیث شمرده شده است و با اجازه شفاهی یا کتبی شیخ به راوی برای روایت احادیث محقق می‌شود و الزاماً نباید با سماع یا قرائت همراه باشد (فیروزآبادی، ۱۷۰/۲-۱۷۱؛ نووی، التقریب؛ ۱۴؛ نیز نک: مدیرشانه چی "اجازه"، ۵۹۶/۶).

عثمانی که محل بحث این نوشته است، آن ماری شیمل در کتاب "خوشنویسی و فرهنگ اسلامی" (خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، ۱۳۸۹) ضمن اختصاص دادن چند صفحه به هنر خوشنویسی در میان خاندان آل عثمان تنها از سلطان محمد دوم (م. ۱۸۳۹) و سلطان عبدالمجید نام می‌برد که از مصطفی افندی و عزت افندی اجازه دریافت کرده بودند (ص ۱۰۸-۱۱۳).

سید کمال میرخلف در مقاله «آیین اجازه در میان خوشنویسان ترکیه» (گلستان هنر، ش. ۴، تابستان ۱۳۸۵) ضمن بیان خاطراتش از حضور در یکی از مراسم اجازه نامه خوشنویسی استانبول که مربوط به اعطای اجازه استاد یوسف سزر به ۱۶ تن از هنرآموزانش در استانبول بوده است، بسیار مختصر به چگونگی برگزاری این مراسم اشاره می‌کند و به تفاوت‌های این سنت در گذشته و اکنون ترکیه می‌پردازد.

سلیمان برک در کتابش با عنوان خوشنویسان/استانبول (ترجمه ثریا منیری و مهدی قربانی، ویراستار حمیدرضا قلیچ خانی، تهران، بهار ۱۳۹۶) که جزء جدیدترین تحقیقات به شمار می‌رود، در بیان زندگینامه هنرمندان تنها به ذکر اینکه فلان خوشنویس از استادش اجازه دریافت کرد اکتفا کرده است.

کتاب/اجازت نامه - /ذن نامه محمدعلی کریم زاده تبریزی (لندن، ۱۹۹۹) ضمن بیان مطالبی کوتاه و مختصر در باب معنای اجازه در دوره عثمانی، عمدتاً مروری است بر نمونه‌های متعددی از اجازه نامه‌های استادان خوشنویس عثمانی بر آثار شاگردان خود که با بررسی ساختار هر یک از آنها می‌توان به اطلاعات مفیدی درباب فرهنگ و تاریخ هنر خوشنویسی عثمانی دست یافت. این اثر را به واسطه در برداشتن مهمترین نمونه‌های اجازه نامه شاید بتوان جزء مهمترین منابع پژوهش برای این مساله دانست. تکیه نویسنده در بررسی ساختار و مؤلفه‌های اجازه نامه‌ها بر ۵۰ نمونه گردآمده در این اثر است.

مقاله «هنر خوشنویسی در امپراطوری عثمانی» از درمن (استانبول، ۲۰۰۲) مروری است کلی بر خوشنویسی عثمانی که نویسنده در آن ضمن بیان چگونگی آشنایی خوشنویسان این دوره با اقلام سته از تحول و تطور این خطوط (از قرن نوزدهم تا بیستم میلادی) پرده بر می‌دارد و خواننده را با کاربرد خط تعلیق و سیاق و ابزار مورد استفاده خوشنویسان آشنا می‌سازد. نویسنده در خلال مطالب به سنت اجازه نویسی و خط اجازه اشاره‌ای کوتاه دارد. فضایی نیز در کتاب *اطلس* (اصفهان، ۱۳۶۲) خط ضمن تعریف خط اجازه، نمونه‌هایی از آن را ذکر کرده است.

شیلا بلر در کتاب محققانه اش خوشنویسی/اسلامی (دانشگاه ادینبرو، ۲۰۰۷) ضمن توضیح تاریخ اقلام سته در دوره عثمانی به خط اجازه و نمونه‌هایی از اجازه استادان خوشنویس عثمانی به شاگردانشان اشاره می‌کند، بدون این که به تحلیل ساختار اجازه نامه پردازد. وی افزون براین به نظام استاد و شاگردی تعلیم خوشنویسی در ترکیه امروزی اشاره کرده است.

مقاله کوتاه «سند اجازه در خوشنویسی» از مظفر بختیار (کتاب ماه هنر، ش. ۶۹ و ۷۰، ۱۳۸۳) مروری است بر معنای کلی اجازه و یک نمونه اجازه نامه متعلق به خط حافظ عثمانی.^۱ مقاله "پژوهشی در اجازه نامه یا اذن نامه در قلمرو هنر خوشنویسی" (هنرهای زیبا، ش ۵۰، ۱۳۹۱) از احد روان جو به طور کلی به رسم اجازه ستانی و اجازه دهی در آموزش سنتی می‌پردازد و در بحث از اجازه نامه در هنر خوشنویسی به سنت اجازه نویسی دوره عثمانی اشاره می‌کند، بدون اینکه درباره ساختار و نمونه اجازه نامه‌ها صحبتی کند و یا نمونه‌ای ارائه دهد.

آنچه در پژوهشهای راجع به رسم اجازه نامه در سنت تعلیمی خوشنویسی عثمانی جای آن خالی است، تحلیل ساختار و بررسی مؤلفه‌های این اجازه نامه‌ها برای یافتن پاسخی به پرسشهای مطرح در این حوزه است. نوشته حاضر با تمرکز بر اجازه نامه یا اذن نامه‌های این دوره که تعداد شان به طور تقریبی به پنجاه عدد می‌رسد و تبریزی نمونه‌های آن را در کتابش گرد آورده است، سعی دارد از طریق بررسی محتوایی و تحلیل اجازه نامه‌ها، با در نظر گرفتن مواردی چون تعداد اجازه‌ها، نوع خط، محتوا، تعداد استادان و اندازه اجازه نامه‌ها برای سؤالات مطرح شده پاسخی مناسب فراهم آورد.

مفهوم و خاستگاه اجازه در خوشنویسی

بر اساس تعریف تبریزی، منظور از اجازه نامه در خوشنویسی تکه‌ای کاغذ است که شاگرد در آن قطعه‌ای را به قلم نسخ، ثلث یا نستعلیق کتابت می‌کند و استاد پس از بررسی دقیق خط با نوشتن الفاظ عربی همچون «اجزت» یا «اذن» در پایین آن موافقتش را در باب مهارت خوشنویسی خطاط اعلام می‌کند. علاوه بر اجازت نامه عبارات دیگری نیز مانند «اذن نامه»، «اهلیت نامه» و «کتبه قطعه سی» در میان عثمانیان رواج داشته است (tabrizi, 1-2). اجازت نامه در حقیقت به منزله تصدیق و دانشنامه‌ای است که یک

۱- برای اطلاعات بیشتر درباره او نک: Derman, 2- 650-651.

خوشنویس بعد از زحمات فراوان که همه فنون و قواعد خطاطی را زیر نظر استادان مختلف فراگرفت، با نوشتن قطعه‌ای و نشان دادن آن به یک یا چند استاد، اجازه خطاطی رسمی می‌گرفت. پس از دریافت این اجازه نامه می‌توانست خود را رسماً خطاط بنامد و نوشته‌هایش را با واژه "کتبه" امضاء کند و از این پس به شاگردانش اجازه نامه دهد. تعلیم خوشنویسی مطابق با نظام استاد - شاگردی در دوره عثمانی مبتنی بر رعایت انضباط دقیق بود و این سنت تعلیمی از نسلی به نسل دیگر ادامه پیدا می‌کرد و شاگردان می‌توانستند تعلیم‌شان را بعد از سالها تمرین و ممارست تکمیل کنند و برای هنر خوشنویسی اجازه نامه مکتوبی دریافت کنند. به نظر می‌رسد سنت اجازه نامه پیوند و رابطه میان استاد و شاگرد یا به عبارت دیگر تضمین کننده این پیوند معنوی است که در این رسم تجلی می‌یابد (سید خلف، ۹۸) و اجازه استاد علاوه بر اجازه هنری مهر تأییدی بر جنبه‌های اخلاقی و رفتاری خوشنویس نیز بوده است (برای اطلاع بیشتر در باب نظام استاد و شاگردی در ترکیه امروزی نک: Blair, 597-598). براساس برخی نظرات (ذاکری، ۹۷؛ نیز مایل هروی، ۱۹۴-۱۹۵) اجازه دادن در دوره عثمانی همانند تشریفات ختم قرآن در مکاتب قدیم ایران با تشریفات همراه بوده است و در این هنگام استاد در حضور شاگردان دیگر و احتمالاً با نظارت اساتید دیگر از شاگرد می‌خواست قطعه‌ای بنویسد و سپس بعد از بررسی خط زیر نوشته شاگرد اجازه‌اش را صادر می‌کرد. اگر خطاط می‌توانست غیر از استاد خودش از دیگر اساتید هم اجازه نامه دریافت کند شهرتش افزون می‌شد. بر اساس نمونه‌هایی که تبریژی ارائه می‌کند شمار استادانی که قطعات خوشنویسی را امضاء می‌کردند بسیار قابل توجه است: از باب نمونه در قطعه خوشنویسی محمد زهدی و نعیم شکری اجازه ۲۳ استاد (ص ۶۶-۶۷)، در قطعه سیدمحمد شکری اجازه ۱۷ استاد (ص ۶۰) و در قطعه خوشنویسی حسن حمید سید اجازه ۱۸ استاد دیده می‌شود (ص ۲۰). در اصل هدف شاگرد از گرفتن این اجازه‌ها این بوده است که خودش بتواند شاگردانی را تعلیم دهد و به جرگه استادان وارد شود.







براساس اجازه نامه‌هایی که تبریزی گرد آورده است، قدیمترین اجازه نامه مربوط به تاریخ ۱۱۵۰ ق است که محمد بن عمر افندی صادر کرده (ص ۳۸-۳۹ نیز نک: مایل هروی، ۱۵۹؛ ذاکری، ۹۷) و متأخرترین آن مربوط است به سال ۱۳۱۳ ق^۱ متعلق به حاج

۱- براساس گزارشی که سید کمال میرخلف از حضورش در مراسم باشکوه اجازه نامه خوشنویسی استاد یوسف سزر به ۱۶ نفر از هنرجویانش در استانبول به تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۸۲ (دسامبر ۲۰۰۳) ارائه می‌دهد به نظر می‌رسد این سنت همچنان پا برجاست.

سیدمحمد ناظم که برای فرزندش سیدمحمدکاظم صادر کرده است (Tabrizi, ۴۵-۴۶). در مورد اینکه آیا سنت اجازه نویسی قبل از قرن دوازدهم نیز وجود داشته یا خیر، چیزی نمی‌دانیم، اما در باب خاستگاه اجازه در هنر خوشنویسی این دوره شاید بتوان دو دیدگاه مطرح کرد که البته نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۱- آشنایی خوشنویسان این دوره با عوالم صوفیانه باعث شد که از نیمه نخست قرن نهم به بعد برخی آداب خانقاهی از جمله اجازه خط و کتابت در میان آنها راه یابد. مایل هروی (ص ۱۹۴) معتقد است که چون از اواخر قرن نهم تعداد زیادی از خوشنویسان در آسیای صغیر و نیز در قلمرو ماوراءالنهر با اقلیم خانقاه سر و سری داشتند، طرح ادب اجازه در حوزه خط و کتابت می‌تواند از آداب پیری و مرادی خانقاه اخذ شده باشد. شیمل (ص ۱۲۸) هم پیوند میان صوفیان و خوشنویسان را طبیعی می‌داند و معتقد است سلسله این دو سنت به حضرت علی برمی‌گردد. وی با توسل به شعری ترکی از قرن نوزدهم، پیوندهای میان قرآن و خلفای راشدین را بیش از این گسترش می‌دهد: ابوبکر صدیق کتاب منزل را قرائت کرد؛ عمر شیرازه و جلد آن را دوخت؛ عثمان به ترتیب درست، آن را کتابت کرد و نگاه داشت؛ و علی صفحه‌های آن را زرافشانند و آراست.

به نظر می‌رسد چنین اعتقادی تنها در میان شاعران وجود نداشته، بلکه بعضی خوشنویسان هم در قطعات خوشنویسی خود با نوشتن نام خلفای راشدین و یا با نوشتن روایاتی از آنها تا اندازه‌ای مروج این اندیشه بوده‌اند (tabrizi, 17, 108).

۲- با توجه به اینکه در علم حدیث اخذ اجازه شیوه‌ای متداول برای انتقال روایات و احادیث بوده است، و نظر به محتوای دینی بیشتر اجازه‌نامه‌های این دوره، شاید بتوان خاستگاه آن‌ها را به نوعی با مفهوم اجازه در علوم دینی مرتبط دانست. نظری که نیازمند بحث و بررسی بیشتری است.

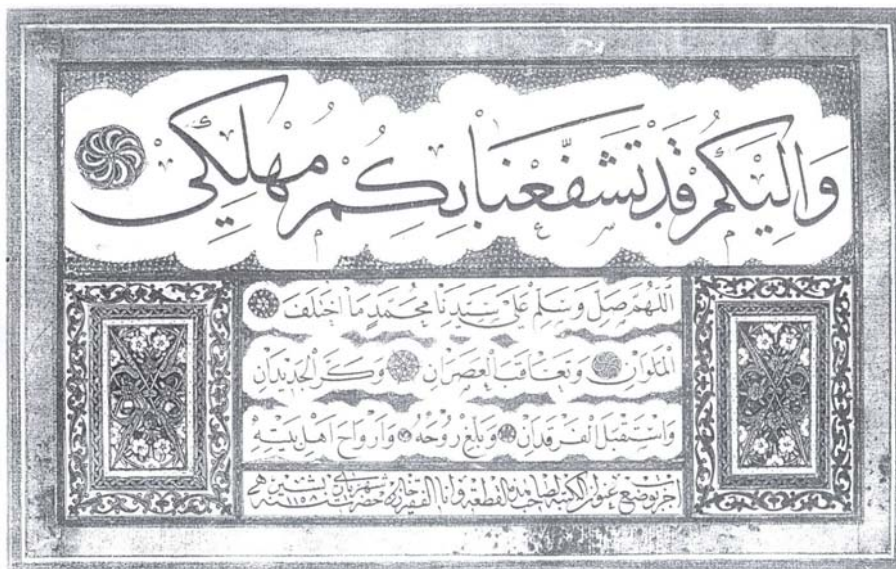
خط اجازه؛ رقاع یا توقیع؟

در بررسی اجازه‌نامه‌ها مهم است بدانیم خط اجازه چیست، اجازه به چه خطی نوشته می‌شد و آیا همه اجازه‌ها به خط واحدی بوده است؟ در باب اینکه خط اجازه چیست اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند در دوره عثمانی اقلام سته از جمله خط رقاع تحولاتی را پشت سر گذاشت و ظاهراً از قرن دهم هجری به خط رقاع - که برای امضای گواهینامه خوشنویسی استفاده می‌شد "خط اجازه" گفته شد (Blair, 476; Derman, 5)

و این خط با سنت اجازه پیوند تنگاتنگی یافت و به خط سیاق که برای نوشتن اسناد و امور مالی استفاده می‌شد و هیچگونه ارزش هنری و زیبایی شناختی نداشت، بعد از قانونمند شدن در قرن سیزدهم هجری رقاع گفتند (Derman, 12). برخی دیگر خط اجازه را با توقیع یکی دانسته‌اند و معتقدند که یکی از اقلام "قدیمه" است و خطی میان ثلث و نسخ است (فضایی، ۲۶۵) که قواعد آن را یوسف شجری وضع کرد (همو، ۲۶۷).^۱ اجازه به معنی "گواهینامه" به دلیل اینکه در قرن نهم و دهم در نوشتن گواهینامه خوشنویسی خطاطان از سوی اساتید عثمانی متداول بوده به این نام معروف شده است. بنابر گزارش‌ها یادگیری آن دشوار نیست و احتیاج به تمرین و ممارست زیاد ندارد (فضائی، ۲۶۶-۲۶۷؛ نیز نک: Derman, 2/650-651).

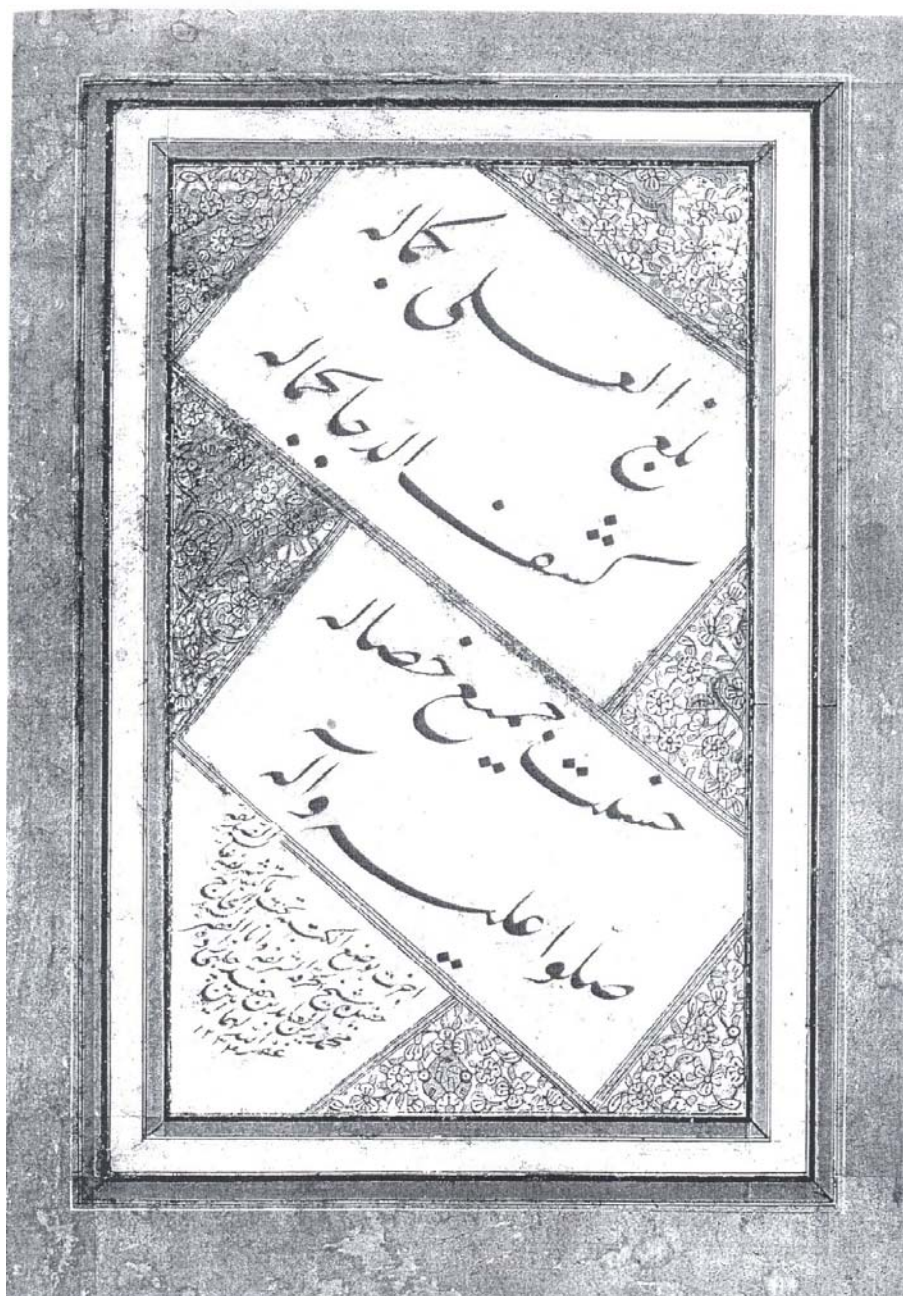
با بررسی نمونه اجازه‌های مورد بحث در این نوشته که مربوط به فاصله زمانی قرن ۱۲ تا ۱۴ ق است، معلوم می‌شود که همه اجازه نامه‌ها به خط اجازه امضا نشده و در میان آنها نمونه‌هایی هم به خط نسخ یا ثلث دیده می‌شود. در مواردی که عمدتاً تعداد اجازه‌ها بسیار بوده است، اجازه اصلی به خط رقاع (در این دوره اجازه) و بقیه اجازه‌ها به خط ثلث یا نسخ می‌باشد (نک: برای نمونه 7, tabrizi). در میان برخی قطعات خوشنویسی با امضای یک استاد، خط اجازه دیده می‌شود (Ibid, 19). اما آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، نبود قاعده مشخص برای صدور اجازه با آن قلم (خط) خواه اجازه یا نسخ و ثلث بوده است.

۱- برخی معتقدند قواعد آن را میرعلی تبریزی وضع کرد (نک: فضایی به نقل از محمد طاهر مکی صاحب تاریخ الخط، ص ۲۶۷).



ساختار اجازه نامه‌ها

از میان ۵۰ نمونه اجازه نامه که عمدتاً مربوط به سده‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ق می‌شود، جز دو مورد خط نستعلیق که یکی قطعه شعری فارسی متعلق به محمد سعید (Ibid, 57) و دیگری قطعه شعر عربی از شریفه عایشه است (نک: Ibid, 91) بقیه به خط نسخ و ثلث‌اند. برخی عمدتاً برای یک قسمت نوشته از خط نسخ در بالا و از خط ثلث برای قسمت دیگر استفاده کرده‌اند.





اندازه اجازه نامه‌ها

هر یک از این اجازه نامه‌ها دارای ابعاد و اندازه متفاوتی است. بزرگترین اجازه از حسن وهبی مربوط به سال ۱۲۹۰ با ابعاد ۴۵×۲۳ است که تایید هشت استاد (tabrizi,22-23) و کوچکترین آن با ابعاد ۱۶×۲۲ از سید محمد کاظم در سال ۱۳۱۳ است که فقط تایید پدرش حاج سید محمد ناظم را دارد (Ibid,46-47).

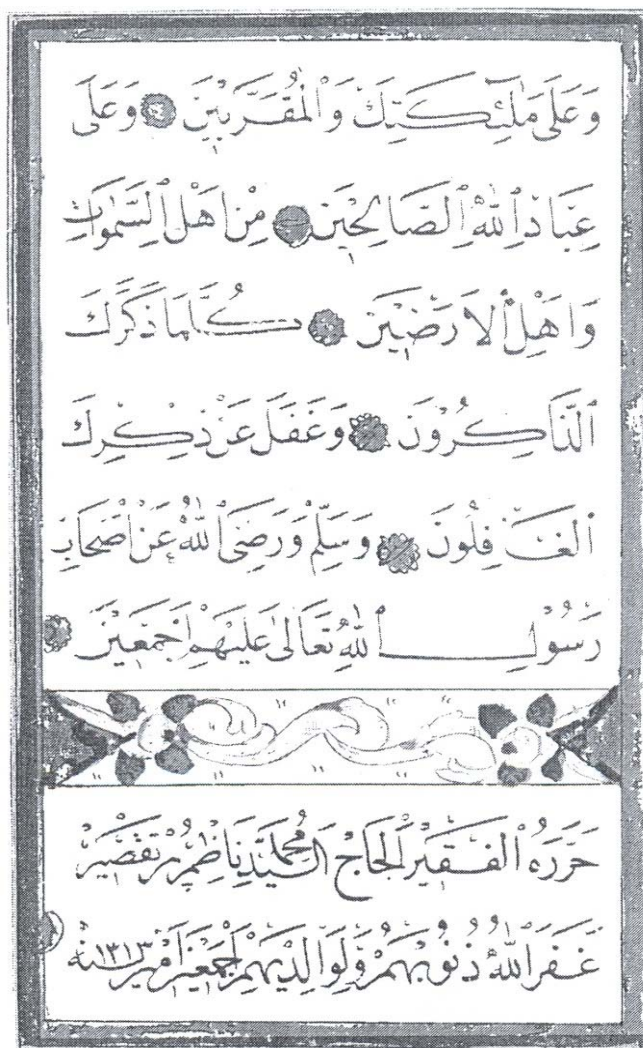
در این سنت هم خوشنویسان مرد و هم زن اجازه نامه دریافت می‌کردند. در میان نمونه اجازه‌ها نام دو زن دیده می‌شود، یکی امینه ثروت که جزو خوشنویسان معروف عثمانی است و با نوشتن قطعه‌ای به نام محلیه^۱ سعادت (tabrizi,12-17؛ Derman,۳۴۹-۳۴۷) در سال ۱۲۹۱ موفق به دریافت ۴ اجازه از سوی سیدعزت مصطفی، علیرضا از شاگردان شیخ سلیمان وهبی، سید محمد شفیق و سید عبدالله حمدی شده است. این قطعه اکنون در مسجد آرپاچی لار^۲ نگهداری می‌شود (tabrizi,12). خوشنویس دیگر شریفه عایشه نام دارد که با نوشتن قطعه شعری به خط نستعلیق (چلیپا) در سال ۱۲۳۴ تنها از استاد حاج محمد زین العابدین یک اجازه دریافت کرد (Ibid,91).

۱- به اشعار و جملاتی در وصف سجایای پیامبر گفته می‌شود که ویژگی‌های ظاهری، سلوک و منش پیامبر اسلام (ص) و یا دیگر اولیای بزرگوار دین را تصویر می‌کند (نک: درمن، ۶۵۱/۲).

2- Arpachilar Mosque.

در میان اجازہ نامه‌ها تنها یک نمونه منحصر به فرد وجود دارد که پدری با عبارت «اما بعد قد اجزت ولدی السید محمد کاظم افاض الله تعالی بحرمه سید المرسلین» به قطعه خوشنویسی شده فرزندش با ابعاد ۱۶×۲۲ در ۱۳۱۳ اجازہ داده است (tabrizi,46-47).

46

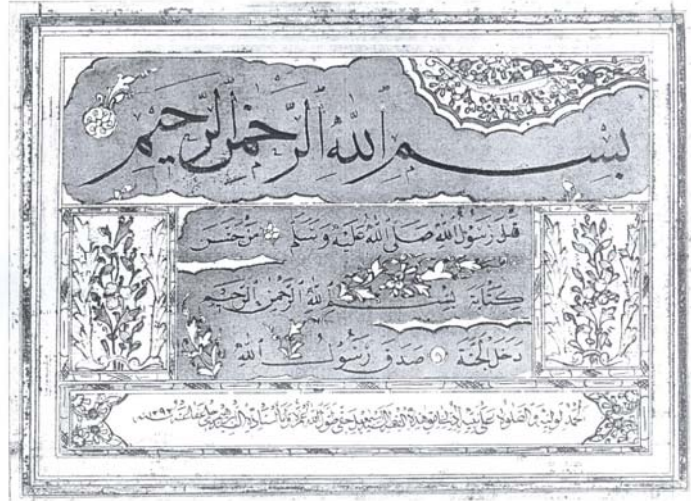




محتوای اجازه نامه‌ها

یکی از سوالات مهمی که در بررسی اجازه نامه‌ها مطرح می‌شود این است که هنرجو با نوشتن چه مطلبی از استاد یا استادان مختلف اجازه دریافت می‌کند؟ بررسی نمونه‌های مورد نظر نشان داد که محتوای بیشتر این اجازه نامه‌ها دینی و غالباً نقل یک حدیث یا دو حدیث از پیامبر در یک قطعه است (برای نمونه نک: Ibid, 37, 39). در دو نمونه هم نقل روایتی از حضرت علی در باره اهمیت خوشنویسی (Ibid, 73) و یا حتی افلاطون دیده می‌شود (Ibid, 55). در میان اجازه نامه‌هایی که تبریزی جمع‌آوری کرده نمونه‌هایی دیده می‌شود که شاگرد پس از پایان کتابت نسخه کاملی از قرآن، نام استادش را آورده است. این مساله می‌تواند نشان دهنده آن باشد که کاتب قبلاً اجازه دریافت کرده که اکنون توانسته نام خود و استادش را در پایان نوشته خود بیاورد. برای نمونه سیدمحمد حکمتی در سال ۱۲۷۴ با کتابت قرآنی کوچک به خط نسخ در ابعاد ۹×۱۵ نام استاد خود احمد نظیفی را آورده است (Ibid, 120). بر اساس برخی شواهد^۱ به نظر می‌رسد محتوای نوشته چندان در گرفتن اجازه دخیل نبوده است، بلکه نوع قلم (خط) تاییدی بوده است بر مهارت خوشنویس در خط.

۱- بنا بر گزارش شیمل، سلطان عبدالمجید در زمره کسانی بود که اجازه نوشتن ثلث را از عزت افندی دریافت کرد (ص ۱۱۲).



37



39

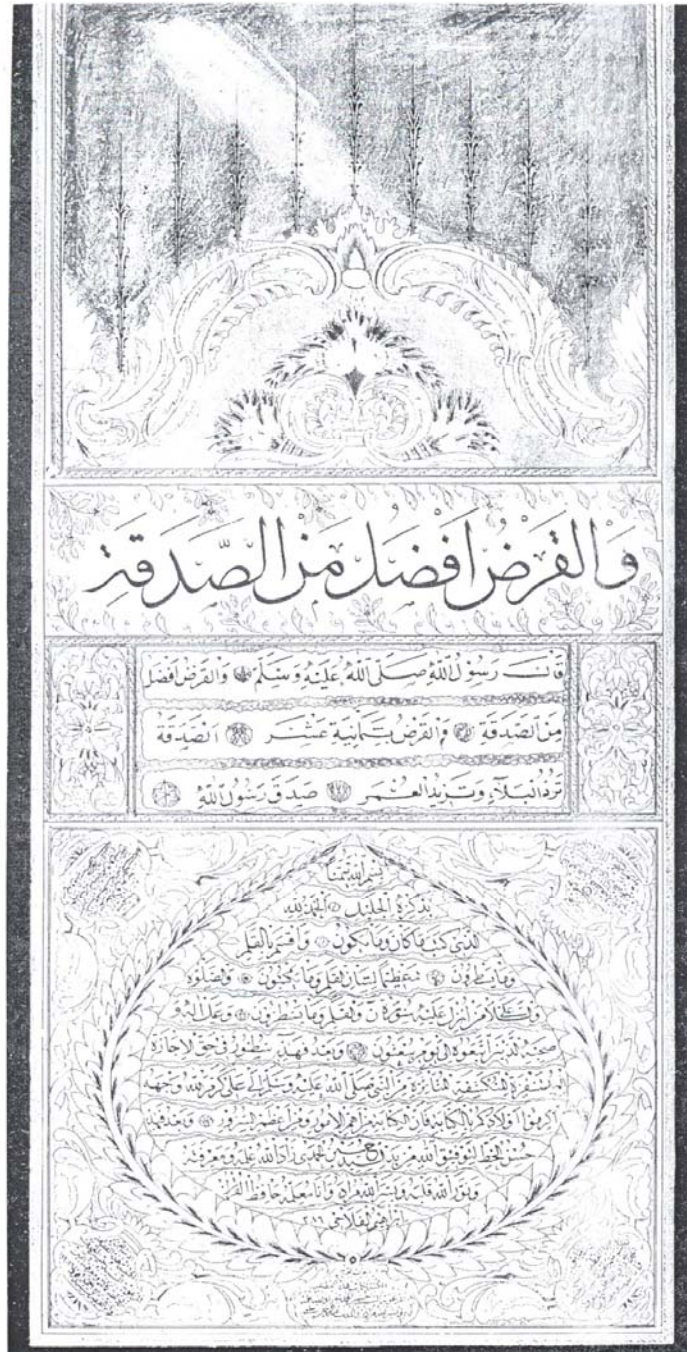


عبارت اجازه

با بررسی اجازه نامه‌ها معلوم می‌شود که استادان با عبارات عربی همچون اذنت، اجزت، اذن له، اجاز له، اذنته و اجزته، اذنت و اجزت لصاحب هذه القطعه المبارکه المرغوبه قطعه خوشنویسی را تایید کرده‌اند. برخی از این مجیزها در اجازه نامه‌های خود به استاد خود نیز اشاره می‌کنند؛ برای نمونه در اجازه نامه مصطفی راقم افندی در سال ۱۲۸۰ هر دو استاد صادر کننده اجازه، خود را از شاگردان حاج احمد شوقی معرفی کرده‌اند (Ibid,71). اسماعیل زهدی در امضای قطعه عبدالله حمدی خود را از شاگردان محمد فائق و علیرضا در امضای قطعه امینه ثروت، خود را شاگرد سلیمان وهبی معرفی کرده‌اند (Ibid,8,14,15). در مواردی هم استادان با تضمین آیاتی از قرآن مانند اقسام بالقلم و ما یسطرون یا جملات دعایی مانند الصلوة و السلام علی ما انزل علیه سورة ن و علی آله و صحبته اجمعین؛ زاد الله معرفته و انال مراد ان یکتب اسمہ فی اواخر مسطوراته و یا عبارت تاکیددی لما وجدته موافقا للقواعد المقرره بین الاساتید المتقین که اشاره به قطعه خوشنویسی کتابت شده دارد، اجازه نامه را مرقوم می‌کردند (نک: نمونه اجازه نامه عبدالحلیم حلمی، 7, tabrizi). گاهی هم متن اجازه نامه‌ها با دعا در حق شاگرد، خانواده و استادان دیگر او همراه بود (13-14, tabrizi).



در مواردی با چندین اجازه در قطعه خوشنویسی گاهی استادی به طور مفصل و غالباً در پایین صفحه با نوشتن نمونه جملات بالا اجازه را صادر می‌کرده و بقیه استادان به طور مختصر با الفاظی همچون اذنت و اجزت قطعه خوشنویسی را تایید می‌کردند (نک: نمونه اجازه نامه سید حسین حمدی، 29, Ibid). با این حال، اجازه نامه‌هایی هم وجود دارد که تنها نام استاد در آن آمده است (Ibid, 112, 115).



محل رقم اجازه

محلی که استاد اجازه خود را رقم می‌زد، عمدتاً بستگی به فضایی داشت که هنرجو برای این امر در نظر می‌گرفت. بیشتر اجازه‌ها در پایین صفحه رقم خورده است (tabrizi, 17, 21, 23, 29)، اما موارد معدودی نیز وجود دارد که استادان در قسمت راست و چپ صفحه با نوشتن نام خود اجازه صادر کرده‌اند (نک: Ibid, 83). مواردی از این دست تنها در مورد قطعاتی است که نهایتاً به امضای دو استاد رسیده است. در مواردی که بیش از دو استاد قطعه را امضا کرده‌اند، عمدتاً فضای پایین صفحه برای این کار اختصاص داده شده است. برخی از اجازه‌نامه‌ها دارای قاب بندی و تذهیب‌های فراوان است و اجازه‌استادان در قاب مشخصی که برای این امر لحاظ شده خودنمایی می‌کند. اجازه‌نامه‌هایی نیز وجود دارد که بسیار ساده و بی‌آلایش‌اند (Ibid, 23, 29, 3, 66).









امضای چند استاد بر قطعه خوشنویسی که گاه فقط شامل نام خانوادگی او می‌شد و در برخی موارد حتی نام کامل و لقب او را در برمی‌گرفت، می‌تواند نشانه همدلی و عدم اختلاف جدی میان هنرمندان خطاط در این دوره تلقی گردد، برخلاف آنچه در میان محدثان کما بیش وجود داشته است.^۱

نتیجه

رسم اجازه نویسی در سنت تعلیمی خوشنویسی عثمانی به منزله تأییدی است بر قابلیت و توانایی هنرجو. خطاط پس از آن که قطعه‌ای را به خط نسخ، ثلث و یا نستعلیق خوشنویسی می‌کند و به رؤیت استاد یا استادانی می‌رساند، اجازت نامه، اذن نامه یا اهلیت نامه و در زبان ترکی «کتابه قطعه‌سی» که غالباً با خطی موسوم به «خط اجازه» تأیید شده، دریافت می‌کند. در این سنت تعداد استادان متغیر است. گاه در میان نمونه‌ها حتی تا ۲۳ امضاء هم دیده می‌شود که بیانگر تأیید از سوی ۲۳ استاد است. الفاظی هم که با آن اجازه به زبان عربی صادر شده طیف گسترده‌ای دارد. محتوای نوشته چندان در صدور اجازه دخیل نبوده است، بلکه نوع قلم (خط) تأییدی بوده است از جانب استاد بر مهارت خوشنویس در آن خط. قطعات خوشنویسی شده هم در ابعاد متفاوت و با تزیینات فراوان و یا حتی بسیار ساده ارائه شده است. در مجموع ساختار اجازه نامه‌ها از قاعده و نظم خاصی پیروی نکرده و برای آن معیار خاصی نبوده است، تنها آنچه در این سنت مهم به نظر می‌رسد این است که هنرجو ظاهراً بدون اجازه نامه و گرفتن تأییدی استاد نمی‌توانست شاگرد تربیت کند و امضای خود را در پایین نوشته‌اش رقم زند.

منابع

- بختیار، مظفر، *سند اجازه در خوشنویسی*، کتاب ماه هنر، تهران، شماره ۶۹-۷۰، ۱۳۸۳.
- برک، سلیمان، *خوشنویسان استانبول*، ترجمه ثریا منیری و مهدی قربانی، ویراستار حمیدرضا قلیچ‌خانی، تهران، بهار ۱۳۹۶.
- خطیب بغدادی، احمد، *الکفایه فی علم الروایه*، به کوشش احمد عمره‌اشم، بیروت، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م.

۱- برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: خطیب بغدادی، احمد "الاجازه للمعدوم و المجهول" مجموعه رسائل فی علوم حدیث، به کوشش صبحی بدری سامرایی، مدینه، همو، الکفایه فی علم الروایه، به کوشش احمد عمره‌اشم، بیروت، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م.

- خطیب بغدادی، احمد، "الاجازه للمعدوم و المجهول" مجموعه رسائل فی علوم حدیث، به کوشش صبحی بدری سامرای، مدینه، بی تا.
- خطیبی، عبدالکبیر و سچلماسی، محمد، شاهکارهای خطاطی اسلامی، ترجمه مزگان جایز و محمدرضا عبدالعلی، تهران، هنر نو، ۱۳۹۳.
- ذاکری، مصطفی، "سندی گرانبها در خطاطی عثمانی" نشر دانش، سال ۱۶، شماره ۴، تهران، زمستان، ۱۳۷۸.
- روان جو، احد، پژوهشی در "اجازه نامه" یا "اذن نامه" در قلمرو هنر خوشنویسی، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، تهران، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۱.
- شیمیل، آنماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، ۱۳۶۸.
- فضائل، حبیب، اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی، اصفهان، انتشارات مشعل، ۱۳۶۲.
- فیروزآبادی، قاموس.
- مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
- مدیرشانه چی، کاظم، «اجازه» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۳.
- میرخلف، سیدکمال، «آیین اجازه در میان خوشنویسان ترکیه»، گلستان هنر، شماره ۴، تهران، تابستان ۱۳۸۵.
- نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، التقریب و التیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر فی أصول الحدیث، تحقیق و تعلیق محمد عثمان الخشت، بیروت، دارالکتاب العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م.
- Blair, Sheila S, "The Ottomans in Anatolia, the Balkans, and the Eastern Mediterranean" in Islamic Calligraphy Edingburgh Universit, 2007.
- Derman, M, Ugur, "The Art of Calligraphy in the ottoman Empire" in Foundation for Science Technology and civilization, 2007.
- Derman,CICEK, "The art of illumination in the Ottoman Empire" in History of the Ottoman State, Society and Civilization, edited by Ekmeleddin Ihsanoglu, Istanbul, 2002.
- Karimzadeh tabrizi, Mohammad Ali, *Ijzat Nameh, The most unique and precious document in ottoman calligraphy*, London, 1999.